

خصائص اللغة الفارسية الرسمية (المكتوبة) والعامية (المحكية) وأثرها على الهوية الثقافية

ميساء سمير جبر^{*1}

1- مدرّسة، قسم اللغة الفارسية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة دمشق.

*- maysaa.jabr@damascusuniversity.edu.sy

الملخص:

تتناول هذه الدراسة الفروقات والتحديات المرتبطة باستخدام اللغة الرسمية واللغة المحكية في المجتمع الناطق بالفارسية. وفي هذا الإطار، تم تحليل تأثير كلٍّ من اللغة الرسمية والمحكية في السياقات الاجتماعية، التعليمية، الثقافية والاقتصادية المختلفة، كما تمّ بحث دور كل من هذين النمطين اللغويين في تشكيل واستمرار التفاعلات الفردية والاجتماعية. إضافة إلى ذلك، تناولت الدراسة الإشكاليات والتحديات الناتجة عن الاستخدام المتزامن أو غير السليم لهذين النوعين من اللغة في مواقف خاصة، مثل بيئات العمل، وسائل الإعلام، والتفاعلات اليومية. كما تم تحليل دور اللغة في مجالات مثل السياسة، التفاعلات الاجتماعية الكلية، والثقافة العامة، مع التركيز على وظيفتها كأداة فعالة في تعزيز الهوية الوطنية، وتسهيل التواصل الاجتماعي، وتوسيع الفرص الاقتصادية. وفي الختام، تؤكد الدراسة على ضرورة نشر ثقافة الاستخدام المناسب لكل من اللغة الرسمية والمحكية، ودعم البحوث اللغوية الهادفة إلى تحسين التفاعلات الاجتماعية وتعزيز الهوية الثقافية. وقد تم تنفيذ هذا البحث بالاعتماد على المنهج الوصفي - التحليلي.

تاريخ الإيداع: 2024/11/21

تاريخ القبول: 2025/06/03



حقوق النشر: جامعة دمشق -

سورية، يحتفظ المؤلفون بحقوق

النشر بموجب الترخيص

CC BY-NC-SA 04

الكلمات المفتاحية: اللغة الفارسية، اللغة الرسمية، اللغة المحكية، التفاعلات اللغوية، الهوية الثقافية.

ویژگی‌های زبان فارسی رسمی (نوشتاری) و عامیانه‌ای (گفتاری) و تأثیر آن بر هویت فرهنگی

میساء سمیر جبر^{*1}

1- مدرّسه، قسم اللغة الفارسية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة دمشق.

*- maysaa.jabr@damascusuniversity.edu.sy

چکیده:

این مقاله به بررسی تفاوت‌ها و چالش‌های مرتبط با کاربرد زبان رسمی و گفتاری در جامعه‌ی فارسی‌زبان می‌پردازد. در این چارچوب، تأثیرات زبان رسمی و زبان گفتاری در بسترهای مختلف اجتماعی، آموزشی، فرهنگی و اقتصادی مورد تحلیل قرار گرفته و نقش هر یک از این دو گونه‌ی زبانی در شکل‌گیری و تداوم تعاملات فردی و اجتماعی بررسی شده است. افزون بر این، به مشکلات و چالش‌هایی پرداخته شده است که از کاربرد همزمان یا ناصحیح زبان رسمی و گفتاری در موقعیت‌هایی نظیر محیط‌های کاری، رسانه‌ها و ارتباطات روزمره ناشی می‌شوند. همچنین، نقش زبان در عرصه‌هایی چون سیاست، تعاملات اجتماعی کلان و فرهنگ عمومی تحلیل شده و به کارکرد آن به عنوان ابزاری مؤثر در تقویت هویت ملی، تسهیل ارتباطات اجتماعی و ارتقای فرصت‌های اقتصادی توجه شده است. در پایان، بر ضرورت ترویج فرهنگ به‌کارگیری مناسب زبان‌های رسمی و گفتاری و نیز حمایت از پژوهش‌های زبان‌شناختی با هدف بهبود تعاملات اجتماعی و تقویت هویت فرهنگی تأکید شده است. این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است.

کلیدواژه‌ها: زبان فارسی، زبان رسمی، زبان گفتاری، تعاملات زبانی، هویت فرهنگی.

Characteristics of Standard (Written) and Colloquial (Spoken) Persian and Their Impact on Cultural Identity

Maysaa Samir Jabr^{1*}

1- Assistant Professor, Damascus University, Faculty of Arts and Humanities, Department of Persian Language and Literature.

*- maysaa.jabr@damascusuniversity.edu.sy

Abstract:

This article examines the differences and challenges associated with the use of standard and colloquial Persian in Persian-speaking societies. Within this framework, the impacts of both formal and informal language in various social, educational, cultural, and economic contexts are analyzed, and the role of each linguistic register in shaping and sustaining individual and social interactions is explored. Moreover, the study addresses the problems and challenges arising from the simultaneous or improper use of formal and colloquial language in specific contexts such as workplaces, media, and everyday communication. It also analyzes the role of language in areas such as politics, macro-level social interactions, and public culture, highlighting its function as an effective tool in strengthening national identity, facilitating social communication, and expanding economic opportunities.

In conclusion, the study emphasizes the necessity of promoting a culture of appropriate use of both formal and colloquial Persian, and supporting linguistic research aimed at enhancing social interactions and reinforcing cultural identity. This research has been conducted using a descriptive-analytical method.

Keywords: Persian Language, Formal Language, Spoken Language, Linguistic Interactions, Cultural Identity.

Received: 21/11/2024

Accepted: 03/06/2025



Copyright: Damascus University- Syria, The authors retain the copyright under a CC BY- NC-SA

1. المقدمة:

زبان فارسی، به عنوان یکی از کهن‌ترین و پویاترین زبان‌های منطقه، در طول تاریخ دستخوش تغییرات و تحولات فراوانی بوده است. این زبان، با دو شاخه اصلی رسمی و عامیانه، بازتاب‌دهنده لایه‌های گوناگون فرهنگی واجتماعی جامعه ایرانی است. زبان رسمی که در نوشتارهای علمی، ادبی و اداری به کار می‌رود، با ساختاری منسجم و واژگان معیار، نقش مهمی در حفظ هویت ملی و انتقال میراث فرهنگی ایفا می‌کند. در مقابل، زبان عامیانه با ویژگی‌هایی چون سادگی، روانی و انعطاف‌پذیری، بیانگر زندگی روزمره، احساسات و روابط انسانی است. این دو گونه زبانی، هرچند از لحاظ ساختاری و کاربردی متفاوت‌اند، اما در مجموع تصویری جامع از هویت فرهنگی فارسی‌زبانان ارائه می‌دهند و مکمل یکدیگر در شکل‌دهی به زبان و فرهنگ ملی محسوب می‌شوند.

شناخت تفاوت میان این دو سبک، برای فارسی‌زبانان چه در گفتار و چه در نوشتار، ضروری است؛ زیرا از یک سو موجب درک بهتر متون رسمی و علمی می‌شود و از سوی دیگر، کیفیت ارتباطات روزمره را بهبود می‌بخشد (باقری، ۱۳۹۰، ۴۱).

زبان رسمی با رعایت دقیق قواعد نحوی و کاربرد واژگان تخصصی، در متون نوشتاری علمی، حقوقی و رسانه‌ای جایگاهی ویژه دارد. جملات در این سبک اغلب ساختار پیچیده‌ای دارند و استفاده از ضمایر و افعال رسمی، پیام را وزین‌تر و معتبرتر جلوه می‌دهد. در مقابل، زبان گفتاری که در مکالمات روزمره و غیررسمی کاربرد دارد، با حذف برخی قواعد و ساده‌سازی جمله‌ها، به روانی و سرعت انتقال پیام کمک می‌کند و در ارتباطات دوستانه و خودمانی رواج بیشتری دارد (کلانتری، ۱۳۸۸، ۷۷). تفاوت این دو سبک تنها در سطح زبانی محدود نمی‌شود، بلکه به نقش‌های اجتماعی و کاربردهای فرهنگی آن‌ها نیز گسترش می‌یابد (کامرانی، ۱۳۹۷، ۱۲۵؛ موسوی، ۱۳۹۲، ۳۲ - ۳۵).

از این رو، شناخت دقیق‌تر این دو نوع زبان، می‌تواند زمینه‌ساز بهبود ارتباط در محیط‌های مختلف و تقویت مهارت‌های ارتباطی افراد باشد. این آگاهی برای کسانی که فارسی را به عنوان زبان دوم می‌آموزند نیز نقش کلیدی دارد، چرا که آنان را قادر می‌سازد تا به درستی از هر دو شکل زبان در موقعیت‌های مختلف بهره‌گیرند (رابرتز، ۱۳۸۶، ۷۲). با وجود آنکه زبان رسمی و گفتاری هر دو شاخه‌هایی از زبان فارسی هستند، اما در شیوه بیان، انتخاب واژگان، ساختار نحوی، و کاربرد افعال و ضمایر، تمایزهای چشمگیری دارند.

این مقاله بر آن است تا با بررسی ساختارهای دستوری و نحوی در زبان رسمی و گفتاری، به تحلیل کاربردهای گوناگون دستور زبان فارسی در این دو سبک بپردازد و ضمن برجسته‌سازی تفاوت‌ها، به چالش‌ها و ضرورت‌های موجود در بهره‌گیری صحیح از هر دو نوع زبان اشاره کند.

2. روش تحقیق:

این تحقیق با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی ویژگی‌های زبان فارسی رسمی و عامیانه و تأثیر آن‌ها بر هویت فرهنگی پرداخته است. برای تحلیل ویژگی‌های زبان فارسی در دو سطح رسمی و عامیانه، ابتدا از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده خواهد شد. در این بخش، متون مختلف رسمی (از جمله متون ادبی، علمی، و اداری) و نمونه‌های گفتاری عامیانه (مانند مکالمات روزمره، فیلم‌ها، و برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی) مورد تحلیل قرار می‌گیرند. هدف این تحلیل بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های ساختاری، دستوری و واژگانی در این دو گونه زبان است.

در نهایت، داده‌های به‌دست‌آمده از تحلیل‌های محتوایی با استفاده از روش تحلیل توصیفی بررسی می‌شوند. هدف از این تحلیل‌ها ارائه یک چارچوب جامع برای درک تأثیر ویژگی‌های زبان فارسی رسمی و عامیانه بر هویت فرهنگی و اجتماعی فارسی‌زبانان است.

3. پیشینه پژوهش:

مطالعه زبان فارسی و تحلیل تفاوت‌های میان زبان رسمی و گفتاری، در حوزه‌های زبان‌شناسی و مطالعات اجتماعی جایگاه مهمی دارد. از دوران کلاسیک تا دوران معاصر، زبان‌شناسان ایرانی و خارجی با تحلیل و مطالعه زبان فارسی در هر دو شکل رسمی و گفتاری، زمینه‌ای برای درک بهتر قواعد و ساختار این زبان ایجاد کرده‌اند. آثار برجسته‌ای همچون «دستور زبان فارسی» از پروفسور محمد معین، «دستور زبان فارسی» از دکتر حسن انوری و «صرف و نحو زبان فارسی» از یدالله ثمره، تلاش‌های علمی مهمی در این حوزه به شمار می‌آیند. این مطالعات، علاوه بر بررسی‌های دستوری، به تحلیل تفاوت‌های زبانی در سبک‌های مختلف نیز پرداخته‌اند.

1. صفوی، ر. (۱۳۹۵). یک تحقیق به نام «آشنایی با زبان‌شناسی» نوشت. وی در این تحقیق به بررسی تفاوت‌های ساختاری و کاربردی زبان فارسی در سطوح مختلف، از جمله رسمی و عامیانه، پرداخته است. نویسنده در این اثر به تبیین ویژگی‌های دستوری، واژگانی و معنایی هر دو نوع زبان پرداخته و نشان داده است که چگونه زبان رسمی در متون ادبی، علمی و اداری نقش مهمی در حفظ هویت فرهنگی ایفا می‌کند. از سوی دیگر، زبان عامیانه به‌عنوان ابزاری برای ارتباطات روزمره و نزدیکی بیشتر میان افراد جامعه شناخته شده است.

2. کامرانی، ن. (۱۳۹۷). در مطالعه به عنوان «نقش زبان در بازنمایی هویت فرهنگی» به تحلیل تفاوت‌های کاربردی و اجتماعی زبان رسمی و گفتاری پرداخته و بررسی کرده که چگونه استفاده از هر یک از این دو گونه زبان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی می‌تواند هویت افراد و گروه‌ها را شکل دهد. نویسنده در این تحقیق بر اهمیت زبان رسمی در تقویت و حفظ هویت فرهنگی تأکید کرده است و همچنین نشان داده که زبان گفتاری چگونه می‌تواند منبعی برای گسترش روابط غیررسمی و تقویت ارتباطات اجتماعی باشد.

۳. موسوی، م. (۱۳۹۲). یک پژوهشی به نام «زبان، فرهنگ و هویت» نوشت. در این پژوهش، موسوی به بررسی تأثیر زبان رسمی و عامیانه بر ساختارهای فرهنگی و هویتی جامعه پرداخته است. او به ویژه بر نقش زبان رسمی در رسانه‌ها و آموزش عالی تأکید کرده و آن را به‌عنوان ابزاری برای انتقال و تثبیت هویت ملی در نظر گرفته است.

۴. رابرتز، ج. (۱۳۸۶). اثر به نام «اصول جامعه‌شناسی زبان» دارد. رابرتز در این اثر خود به بررسی تأثیرات جامعه‌شناختی زبان بر هویت‌های ملی و اجتماعی پرداخته است. این تحقیق به‌ویژه به تفاوت‌های زبان‌شناختی میان زبان‌های رسمی و غیررسمی در جوامع مختلف و تأثیر آن‌ها بر هویت اجتماعی و فرهنگی افراد توجه کرده است.

۵. کلانتری، ف. (۱۳۸۸). در کتاب «زبان‌شناسی اجتماعی» به تحلیل کاربرد زبان در جوامع مختلف پرداخته و تفاوت‌های زبانی میان زبان رسمی و عامیانه را مورد بررسی قرار داده است. او نشان داده است که چگونه زبان گفتاری در جوامع مختلف به‌عنوان وسیله‌ای برای هویت‌یابی اجتماعی و فرهنگی استفاده می‌شود.

همه این تحقیقات به‌طور کلی به جنبه‌های مختلف زبان‌شناسی اجتماعی، تأثیرات فرهنگی زبان، و تفاوت‌های ساختاری بین زبان‌های رسمی و غیررسمی پرداخته‌اند، اما به‌طور خاص به ترکیب و تحلیل دقیق ویژگی‌های زبان رسمی و عامیانه در فارسی

وتأثير آن‌ها بر هویت فرهنگی فارسی‌زبانان نپرداخته‌اند. در حالی که تحقیق ما به‌طور خاص به تحلیل ویژگی‌های دستوری، واژگانی و ساختاری زبان رسمی و عامیانه فارسی و تأثیر آن‌ها بر هویت فرهنگی پرداخته است. این تحقیق به دنبال بررسی نحوه شکل‌گیری و اثرگذاری این دو سبک زبانی بر هویت فرهنگی فارسی‌زبانان است. همچنین این تحقیق بر آن است که از نظر زبانی و ساختاری تفاوت‌ها و شباهت‌ها را به‌دقت بررسی کرده و تأثیر آن‌ها بر هویت فرهنگی را تحلیل کند.

4. ویژگی‌های دستوری در نوشتار رسمی زبان فارسی:

نوشتار رسمی زبان فارسی، به‌طور ویژه به قواعد و ساختارهایی پایبند است که وزن و اعتبار بیشتری به متون می‌بخشند و بیانگر احترام به مخاطب و پیام مورد نظر هستند. با بررسی متون رسمی گوناگون، مجموعه‌ای از ویژگی‌های دستوری نوشتار رسمی زبان فارسی استخراج شده است که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

1-4. ساختار جملات پیچیده:

یکی از ویژگی‌های برجسته نوشتار رسمی در زبان فارسی، استفاده از ساختارهای نحوی پیچیده و جملات مرکب است. در این نوع نوشتار، جمله‌ها غالباً شامل چندین بند وابسته هستند که با وابسته‌سازهایی چون «که»، «اگر»، «چون»، «تا»، «هرگاه» و «زمانی که» به بند اصلی متصل می‌شوند. این ساختارها امکان انتقال دقیق‌تر مفاهیم و پرهیز از بیان سطحی و ساده‌انگارانه را فراهم می‌کنند (صفوی، ۱۳۹۵، ۱۸۳؛ انوری، ۱۳۸۵، ۱۵۵).

به گفته کامرانی جملات مرکب در متون رسمی معمولاً برای بیان روابط منطقی مانند علت، شرط، زمان و نتیجه بین مفاهیم به‌کار می‌روند. این جملات، برخلاف جملات ساده، می‌توانند چندین معنا را درون یک جمله جای دهند و پیوندهای مفهومی را حفظ کنند (۱۳۹۷، ۷۴).

مثال‌های کاربردی:

- جمله‌ی ساده: «او آمد و من رفتم».
- جمله‌ی رسمی و پیچیده: «زمانی که او به محل رسید، من آنجا را ترک کردم».
- جمله‌ی ساده: «ما دیر رسیدیم. جلسه شروع شد».
- جمله‌ی رسمی و پیچیده: «با آنکه دیر رسیدیم، جلسه پیش‌تر آغاز شده بود».
- جمله‌ی ساده: «ممکن است باران ببارد. باید چتر برداری».
- جمله‌ی رسمی و پیچیده: «اگر احتمال بارندگی وجود داشته باشد، برداشتن چتر ضروری است».
- جمله‌ی ساده: «او موفق شد. تلاش کرد».
- جمله‌ی رسمی و پیچیده: «او به دلیل تلاش پیوسته‌اش، در نهایت موفق شد».

2-4. استفاده از افعال رسمی و زمان‌های مناسب:

در نوشتار رسمی زبان فارسی، انتخاب افعال دقیق و زمان‌های مناسب نقش بسزایی در انتقال معنا، ایجاد انسجام و القای لحن رسمی دارد. برخلاف زبان گفتاری که افعالی چون «هست»، «می‌شود» یا «استفاده می‌شود» رایج‌اند، در سبک رسمی از افعالی چون «می‌باشد»، «خواهد بود»، «صورت می‌گیرد» یا «مورد استفاده قرار می‌گیرد» استفاده می‌شود (باقری، ۱۳۹۰، ۱۰۴).

برای نمونه:

- جمله‌ی غیررسمی: «نتیجه این است که این نظریه درست است».
 - جمله‌ی رسمی: «نتیجه آن می‌باشد که این نظریه از اعتبار علمی برخوردار است».
 - جمله‌ی غیررسمی: «این روش استفاده می‌شود».
 - جمله‌ی رسمی: «این روش مورد استفاده قرار می‌گیرد» یا «این روش به کار گرفته می‌شود».
- همچنین، در سبک رسمی، به جای استفاده از زمان حال ساده یا گذشته ساده، از زمان‌های دقیق‌تری چون ماضی نقلی، ماضی بعید یا آینده رسمی استفاده می‌شود تا دقت زمانی و پیوستگی اطلاعات حفظ شود (رابرتز، 1386، 92). این نکته به‌ویژه در متون علمی، حقوقی یا پژوهشی که تبیین ارتباط‌های زمانی اهمیت دارد، بسیار مؤثر است.
- مثال‌هایی از کاربرد دقیق زمان‌ها:

- ماضی نقلی: «مطالعات متعدد نشان داده‌اند که این روش مؤثر بوده است».
- ماضی بعید: «پیش از آنکه پروژه آغاز شود، مطالعات مقدماتی انجام شده بود».
- آینده رسمی: «بر اساس برنامه‌ریزی انجام‌شده، این طرح تا پایان سال اجرایی خواهد شد».

3-4. استفاده از ضمایر و عبارات رسمی:

یکی از مؤلفه‌های کلیدی در نوشتار رسمی، کاربرد ضمایر و عبارات محترمانه و رسمی است. در چنین نوشتاری، ضمایری چون «ایشان»، «حضرت عالی»، «این جانب»، «نامبرده»، «شخص مذکور» و عباراتی مانند «با تجدید احترام»، «بدین وسیله به استحضار می‌رساند» و «حسب الامر» مورد استفاده قرار می‌گیرند. این عناصر زبانی نه تنها احترام و وقار نوشتار را حفظ می‌کنند، بلکه به وضوح، دقت و پرهیز از ابهام در معرفی فاعل یا مخاطب کمک می‌کنند (صفوی، ۱۳۹۵، ۵۹).

به عنوان نمونه، در نوشتار غیررسمی ممکن است بنویسیم:

- تو باید گزارش را بنویسی

اما در نوشتار رسمی ترجیح داده می‌شود گفته شود:

- «حضرت عالی موظف به تدوین گزارش مورد نظر می‌باشید» یا «این جانب وظیفه خود می‌دانم گزارش مربوطه را ارائه نمایم».
- بر اساس توضیح انوری استفاده از ضمایر سوم شخص رسمی مانند «ایشان» به جای «او» در اشاره به افراد مورد احترام، موجب تقویت لحن رسمی و جلوگیری از ابهام در هویت شخص مورد نظر می‌شود. (۱۳۸۵، ۱۷۳) برای مثال:
- جمله‌ی مبهم: «او به جلسه دعوت شد».

- جمله‌ی رسمی و روشن: «ایشان (جناب آقای دکتر ...) به جلسه دعوت گردیدند».

در مکاتبات رسمی اداری و علمی، ضمایر اول و دوم شخص («من»، «ما»، «تو»، «شما») به‌ویژه در نوشتار رسمی دولتی یا دانشگاهی، معمولاً با ضمایر غیرمستقیم یا ساختارهای مجهول جایگزین می‌شوند تا حالت شخصی و صمیمی متن کاهش یابد و لحن حرفه‌ای حفظ شود. (کلانتری، ۱۳۸۸، ۱۰۴) مثلاً:

- به جای: «ما تصمیم گرفتیم جلسه لغو شود».
- گفته می‌شود: «بر اساس تصمیم متخذه، جلسه مذکور لغو خواهد شد».

4-4. دقت در انتخاب واژگان واصطلاحات:

در نوشتار رسمی، گزینش واژگان باید بر پایه‌ی معیارهای علمی و زبان معیار انجام گیرد. واژگان دقیق، فنی و تخصصی به‌جای واژگان عامیانه به کار می‌روند تا انسجام، دقت و اعتبار متن حفظ شود (صفوی، ۱۳۹۵، ۷۸).
در واقع استفاده از زبان علمی سبب وضوح مفاهیم و کاهش ابهام در ارتباطات رسمی می‌گردد. برای نمونه، در نوشتاری علمی، به جای عبارت عامیانه‌ی «کار کردن روی یک پروژه»، از عبارت دقیق‌تری مانند «اشتغال به فعالیت پژوهشی در یک حوزه مشخص» استفاده می‌شود.

یا به جای «گفتن این نکته»، از «اظهار این مطلب» استفاده می‌شود.

یا به جای گفتن «به دست آوردن نتایج»، از «استخراج نتایج / دستیابی به یافته‌ها» استفاده می‌شود.

همچنین در متون رسمی، از کاربرد واژگان نوشتاری و کم‌کاربرد در زبان محاوره نظیر «مذکور»، «مزبور»، «مضاف‌براین»، «نهایتاً»، «در خصوص»، «بر این اساس» و «از آن‌جاکه» استقبال می‌شود، زیرا این واژگان باعث حفظ لحن جدی و تخصصی متن می‌شوند (صفوی، ۱۳۹۵، ۸۰).

4-5. رعایت قوانین نحو دقیق:

نوشتار رسمی مستلزم رعایت دقیق قوانین نحوی، مانند جایگاه صحیح فعل و فاعل، جایگاه متمم، و همخوانی اجزای جمله است. این قواعد به وضوح و انسجام متن کمک کرده و از ابهام جلوگیری می‌کنند. در واقع بی‌توجهی به ترتیب نحوی ممکن است باعث برداشت‌های نادرست شود، به‌ویژه در جملات بلند و رسمی.

نمونه‌هایی از رعایت صحیح قواعد نحوی:

- جمله درست: «مسئولان دانشگاه اعلام کردند که جلسه لغو شده است».
- جمله نادرست: اعلام کردند مسئولان دانشگاه که جلسه لغو شده است. (ابهام در فاعل و فعل)
- جمله درست: «اگر شرایط لازم فراهم شود، طرح اجرا خواهد شد».
- جمله نادرست: «طرح اجرا خواهد شد اگر شرایط لازم فراهم شود». (در نوشتار رسمی جایگاه شرط مقدم است)
- جمله درست: «نتایج پژوهش نشان می‌دهد که میان متغیرها رابطه‌ی معناداری وجود دارد».
- جمله نادرست: «نشان می‌دهد نتایج پژوهش که رابطه‌ای هست میان متغیرها». (عدم رعایت ساختار نحوی رسمی)

4-6. استفاده از جمله‌بندی‌های شرطی و توضیحی:

یکی از ابزارهای رایج در نوشتار رسمی، جملات شرطی و توضیحی است که به نویسنده امکان می‌دهد تا دلایل، فرض‌ها و شواهد را به‌طور منسجم و منطقی بیان کند. این جملات ضمن انتقال دقیق‌تر اطلاعات، از ساده‌انگاری در ارائه مفاهیم جلوگیری می‌کنند (موسوی، ۱۳۹۲، ۷۲).

با مطالعه متون رسمی می‌بینیم که جملات شرطی برای بیان احتمالات، نتایج وقواعد مشروط و جملات توضیحی برای ارائه جزئیات و دلایل پشتیبان به کار می‌روند.

برای نمونه:

- جمله‌ی شرطی:
«اگر گزارش نهایی تا پایان هفته ارائه نشود، بررسی طرح به جلسه بعدی موکول خواهد شد». (بیان پیامد مشروط بر وقوع یک وضعیت).
- جمله‌ی توضیحی با «وابسته‌ساز»: «مطالعات نشان داده است که تغییرات اقلیمی بر الگوی بارندگی تأثیر می‌گذارد». (توضیح علت در جمله‌ی وابسته).
- جمله‌ی شرطی در متن رسمی حقوقی (از متن حقوقی): «چنانچه طرفین به توافق نرسند، رسیدگی از طریق مراجع قضایی ادامه خواهد یافت».
- جمله‌ی توضیحی با «زیرا»: «مقرر شد اعتبار طرح افزایش یابد، زیرا هزینه‌های پیش‌بینی‌نشده رخ داده است». (بیان دلیل در ساختار رسمی).

5. ویژگی‌های دستوری در زبان عامیانه‌ای (گفتاری):

زبان گفتاری که در مکالمات روزمره، گفت‌وگوهای غیررسمی و ارتباطات دوستانه استفاده می‌شود، از نظر ساختار و دستور زبان با نوشتار رسمی تفاوت‌های چشمگیری دارد. در این نوع زبان، سادگی، سرعت و روانی بیان اهمیت بیشتری دارد و همین امر بر نحوه‌ی انتخاب واژگان، چینش جمله‌ها و کاربرد قواعد نحوی تأثیر می‌گذارد. برخلاف زبان رسمی که به دقت ساختاری و رعایت کامل قواعد دستوری متکی است، زبان گفتاری به سمت اقتصاد زبانی، حذف بخش‌هایی از جمله، استفاده از افعال ساده و کوتاه‌شده و نیز کاربرد واژگان عامیانه گرایش دارد. بر پایه‌ی تحلیل متون متعددی که به زبان گفتاری تدوین شده‌اند، می‌توان به مجموعه‌ای از مهم‌ترین ویژگی‌های دستوری این نوع زبان دست یافت که در ادامه بررسی خواهند شد.

1-5. ساده‌سازی جملات:

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های زبان گفتاری، گرایش به ساده‌سازی ساختار جملات است. در گفتار روزمره، گویندگان غالباً از جملات ساده، کوتاه و بدون ساختارهای پیچیده وابسته استفاده می‌کنند، زیرا هدف اصلی در این نوع ارتباط، سرعت در انتقال پیام و تسهیل درک مخاطب است (صفوی، ۱۳۹۵: ۱۲۷؛ موسوی، ۱۳۹۲: ۶۴).

در واقع این گرایش به ساده‌سازی، نه تنها به روان‌تر شدن مکالمات کمک می‌کند، بلکه موجب می‌شود گفت‌وگوها بی‌تکلف و طبیعی به نظر برسند. همچنین با خواندن متون مختلف می‌بینیم که زبان گفتاری اغلب از حذف بخش‌هایی از جمله، نظیر فاعل یا قید زمان، برای رسیدن به اختصار و روانی بهره می‌برد.

مثال‌ها:

- جمله رسمی: «هنگامی که او وارد اتاق شد، من از آنجا بیرون آمدم».
- جمله گفتاری: «وقتی اومد، من رفتم بیرون».
- جمله رسمی: «اگر فرصت داشتی، لطفاً این گزارش را بررسی کن».
- جمله گفتاری: «اگه وقت داشتی، یه نگاه بنداز به گزارش».

- جمله رسمی: «وی برای انجام وظایف خود به دفتر مراجعه کرد».

- جمله گفتاری: «اومد دفتر کارشو انجام بده».

این سادگی در ساختار جملات، با حذف یا کوتاه‌سازی اجزای جمله همراه است و با نیازهای ارتباطی گفتار چهره‌به‌چهره کاملاً هماهنگ است (رابرتز، ۱۳۸۶، ۷۱).

2-5. کاهش وحذف قواعد دستوری:

یکی از ویژگی‌های بارز زبان گفتاری، حذف یا کاهش برخی عناصر نحوی و دستوری برای ساده‌سازی و تسریع در گفتار است. در این نوع زبان، اجزایی مانند ضمائر، افعال کمکی، حروف اضافه و حتی وجه افعال، به‌صورت غیررسمی و خلاصه‌شده استفاده می‌شوند (صفوی، ۱۳۹۵، ۱۳۰).

این فرایند که «حذف زمینه‌مند» نیز نامیده می‌شود، مبتنی بر بافت موقعیتی است که در آن گوینده و شنونده اطلاعات مشترک دارند و در نتیجه، نیازی به بیان کامل همه اجزای جمله وجود ندارد (انوری، ۱۳۸۵، ۲۴).

مثال‌ها:

- جمله رسمی: «من به خانه رفتم».

- جمله گفتاری: «رفتم خونه» → حذف ضمیر «من» و استفاده از شکل گفتاری «خونه»

- جمله رسمی: «آیا تو این کتاب را خوانده‌ای؟»

- جمله گفتاری: «تو اینو خوندی؟» → حذف «آیا» و ساده‌سازی فعل

- جمله رسمی: «می‌خواهم به تو بگویم که دیر نکن».

- جمله گفتاری: «می‌خوام بگم دیر نکنی» → حذف عبارت «به تو بگویم که»

کلانتری (۱۳۸۸: ۱۰۳) بیان می‌کند که این حذف‌ها موجب کاهش پیچیدگی ساختار نحوی و افزایش سرعت تعامل کلامی می‌شوند، به‌ویژه در گفتارهای روزمره و چهره‌به‌چهره.

3-5. تغییر در افعال وزمان‌ها:

در زبان گفتاری، افعال معمولاً به شکل ساده‌تر، کوتاه‌شده یا غیررسمی بیان می‌شوند و استفاده از زمان‌های پیچیده‌تر نیز کاهش می‌یابد. این تغییرات با هدف روانی، سرعت و سادگی در گفتار صورت می‌گیرد (صفوی، ۱۳۹۵، ۱۳۲).

مثال‌ها:

تغییر در افعال: افعال در زبان گفتاری اغلب به صورت بی‌قاعده و با حذف بخش‌هایی از فعل یا استفاده از فرم‌های شکسته به کار می‌روند:

- رسمی: «می‌روم».

- گفتاری: «میرم» → حذف حرف صدادار و ادغام اجزای فعل.

این نوع کاهش‌ها در افعال سبب ریتم سریع‌تر گفتار و کاهش انرژی گفتاری می‌شوند.

تغییر در زمان‌ها: در زبان گفتاری، زمان‌های مرکب مانند گذشته بعید یا آینده استمراری اغلب با جایگزین کردن زمان‌های ساده‌تر بیان می‌شوند:

- رسمی: «خانه رفته بودم».

- گفتاری: «رفتم خونه» → حذف ساختار گذشته بعید وجایگزینی با گذشته ساده.

- رسمی: «خواهم رفت».

- گفتاری: «میرم» یا «می‌خوام برم» → حذف آینده رسمی واستفاده از فرم‌های مصطلح‌تر وساده.

پس این ساده‌سازی‌های زمانی، به‌ویژه در تعاملات روزمره، نه تنها فهم را آسان‌تر می‌کنند بلکه در بسیاری موارد تأثیر معنایی منفی ندارند، زیرا مخاطب از طریق بافت گفتگو زمان را درک می‌کند.

4-5. استفاده از ضمائر وواژگان غیررسمی:

یکی از ویژگی‌های بارز زبان گفتاری، استفاده از ضمائر وواژگان غیررسمی وعامیانه است. در این گونه گفتار، ضمائر رسمی مانند «ایشان» یا «حضرت‌عالی» جای خود را به فرم‌های ساده‌تر وصمیمانه‌تر چون «اون» و «تو» می‌دهند (صفوی، ۱۳۹۵، ۱۲۶).

مثال:

- رسمی: «ایشان به جلسه آمدند».

- گفتاری: «اون اومد جلسه».

همچنین، در وازگان، اصطلاحات عامیانه‌ای مانند «بچه»، «رفیق»، «خیلی» و «خونه» جایگزین وازگان رسمی‌تری مانند «فرزند»، «دوست»، «بسیار» و «منزل» می‌شوند.

مثال:

- رسمی: «فرزند شما بسیار باهوش است».

- گفتاری: «بچه‌ت خیلی باهوشه».

این انتخاب وازگان باعث ایجاد لحن دوستانه وكاهش فاصله‌ی اجتماعی بین گوینده وشنونده می‌شود. در واقع استفاده از ضمائر وواژگان غیررسمی در زبان گفتاری نه‌تنها مکالمه را طبیعی‌تر می‌سازد، بلکه ارتباط را صمیمانه‌تر وبدون تکلف برقرار می‌کند.

5-5. تأثیر زبان عامیانه واصطلاحات بومی:

زبان گفتاری به‌شدت از زبان عامیانه واصطلاحات بومی ومنطقه‌ای تأثیر می‌پذیرد. این عناصر زبانی، ضمن افزودن تنوع وغنا به مکالمات روزمره، زبان گفتاری را از نوشتار رسمی متمایز می‌سازند (انوری، ۱۳۸۵، ۵۲).

مثال‌های متداول در گفتار:

- «دل به دل راه داره» (برای اشاره به درک احساسی متقابل).

- «آب از سرش گذشته» (بیان وضعیت بی‌تفاوتی یا ناامیدی).

- «تو زدی، من رقصیدم» (بیان اجبار یا تأثیرپذیری از دیگری).

در واقع این اصطلاحات به‌شکل خودجوش وفرهنگی وارد زبان روزمره شده وبافت اجتماعی ومحلی گوینده را نیز بازتاب می‌دهند. همچنین استفاده از ضرب‌المثل‌ها وعبارات بومی، به تقویت هویت زبانی وفرهنگی گوینده کمک می‌کند.

5-6. تغییرات نحوی وجایگاه اجزای جمله:

در زبان گفتاری، ترتیب وجایگاه اجزای جمله ممکن است با ساختار رسمی تفاوت داشته باشد. هدف اصلی در این تغییرات، انتقال سریع و ساده مفهوم است (صفوی، ۱۳۹۵، ۱۳۸). گوینده معمولاً ساختار جمله را طوری انتخاب می‌کند که گفتار طبیعی‌تر و کم‌تکلف‌تر باشد (انوری، ۱۳۸۵: ۶۴). این در واقع بخشی از اقتصاد زبانی محسوب می‌شود.

مثالها:

- رسمی: «من به مدرسه رفتم».
 - گفتاری: «رفتم مدرسه.» (حذف فاعل و جابه جایی مفعول).
 - رسمی: «او در حال خوردن ناهار است».
 - گفتاری: «داشت ناهار می‌خورد.» (فعل کمکی «است» با «داشت» جایگزین شده و ساختار زمان تغییر کرده است).
 - رسمی: «امروز با دوستم به سینما رفتم».
 - گفتاری: «رفتم سینما، با دوستم، امروز.» (ترتیب معمول جمله به هم خورده است).
 - رسمی: «اگر شما به موقع نرسید، جلسه برگزار نخواهد شد».
 - گفتاری: «اگه نرسی، جلسه نمی‌شه.» (در زبان گفتاری، بسیاری از جزئیات و ساختارهای اضافی حذف می‌شوند. «اگر» به «اگه» تبدیل شده، «به موقع» حذف شده، و «نخواهد شد» به «نمی‌شه» تغییر کرده است).
- این تغییرات نحوی، بافت گفت‌وگو را زنده‌تر و ارتباط را بی‌واسطه‌تر می‌سازد. همچنین این جابه‌جایی‌ها را بخشی از اقتصاد زبانی در گفتار روزمره می‌داند که به کاهش پیچیدگی نحوی و افزایش روانی جمله کمک می‌کند.

5-7. استفاده از کلمات قرضی و خارجی:

زبان گفتاری بیشتر از زبان رسمی تحت تأثیر واژگان خارجی و کلمات قرضی قرار دارد (صفوی، ۱۳۹۵، ۲۴۲). این کلمات اغلب بدون تغییر یا با تغییرات جزئی در ساختار به زبان گفتاری وارد می‌شوند و در مکالمات روزمره به‌طور گسترده‌ای به کار می‌روند (انوری، ۱۳۸۵، ۱۸۳). در واقع این کلمات به دلیل سادگی و توانایی در تسهیل ارتباطات، در زبان گفتاری بسیار رایج هستند.

به‌عنوان مثال، کلماتی مانند «تاکسی»، «تلفن»، «موبایل» و «اینترنت» به‌طور گسترده در زبان گفتاری استفاده می‌شوند، در حالی که در نوشتار رسمی، این کلمات ممکن است به معادل‌های فارسی خود مانند «مینی‌بوس»، «دستگاه تلفن» و «شبکه جهانی وب» ترجمه شوند، اما در زبان گفتاری این معادل‌ها کمتر به کار می‌روند.

برای مثال:

- رسمی: «جهت تماس تلفنی، می‌توانید از دستگاه تلفن استفاده نمایید».
 - گفتاری: «با موبایل تماس بگیر».
- این تغییرات نشان‌دهنده گسترش کلمات خارجی در زبان محاوره‌ای است که نه تنها سرعت و روانی مکالمه را افزایش می‌دهند، بلکه درک سریع‌تر و راحت‌تر مفاهیم را نیز تسهیل می‌کنند.

۸-۵. تغییر در تلفظ و آهنگ جمله:

یکی دیگر از ویژگی‌های زبان گفتاری، تغییرات در تلفظ و آهنگ جمله است. در زبان گفتاری، بسیاری از حروف به صورت کوتاه‌تر یا ساده‌تر تلفظ می‌شوند و آهنگ جمله اغلب صمیمی‌تر و غیررسمی‌تر به نظر می‌آید. این تغییرات تلفظی نشان‌دهنده روند طبیعی زبان در گفتار روزمره است همچنین نشانه دیگری از اقتصاد زبانی محسوب می‌شود. برای مثال، تلفظ واژه «می‌خواهم» به صورت «می‌خوام» یا «نمی‌دانم» به صورت «نمی‌دونم» در گفتار محاوره‌ای رایج است همچنین، در مواردی مانند «به جای آنکه»، به جای تلفظ کامل، اغلب می‌گویند «به جای اونکه» که در اینجا «آن» به «اون» تغییر یافته است. مثال‌های دیگر:

- رسمی: «من می‌خواهم با شما صحبت کنم».
- گفتاری: «من می‌خوام باهاتون صحبت کنم».
- رسمی: «مهمان‌ها هنوز نیامده‌اند».
- گفتاری: «مهمونا هنوز نیومدن».
- رسمی: «شما باید این موضوع را به دقت بررسی کنید».
- گفتاری: «باید اینو دقیق بررسی کنی».
- رسمی: «من می‌بایست کارهای خود را تمام کنم».
- گفتاری: «باید کارامو تموم کنم».

۶. تأثیرات متقابل زبان رسمی و گفتاری بر یکدیگر:

با توجه به کاربرد گسترده‌ی هر دو گونه‌ی زبان رسمی و گفتاری در جوامع فارسی‌زبان، این دو شکل زبانی همواره در تعامل و تأثیر متقابل با یکدیگر بوده‌اند و در فرآیندی پویا به‌تدریج تکامل یافته‌اند. این تعامل زبانی سبب شده است که ویژگی‌ها و عناصر هر یک از این گونه‌ها به دیگری منتقل شود و در نتیجه، زبان فارسی به شکلی انعطاف‌پذیر و هماهنگ با نیازهای ارتباطی جامعه دستخوش تغییر و تحول گردد. با بررسی متون متنوع و تحلیل تلفیق ویژگی‌های زبان رسمی و گفتاری، می‌توان به ابعاد گوناگون این تأثیرات متقابل پی برد. در ادامه، به بررسی برخی از این تأثیرات پرداخته خواهد شد.

۱-۶. ورود واژگان و اصطلاحات گفتاری به نوشتار رسمی:

در دهه‌های اخیر، با گسترش رسانه‌های جمعی، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، استفاده از عناصر زبان گفتاری در متون نوشتاری رو به افزایش نهاده است.

یکی از بارزترین تأثیرات زبان گفتاری بر نوشتار رسمی، نفوذ واژگان و اصطلاحات عامیانه و غیررسمی در متون رسمی، رسانه‌ای و حتی علمی است (صفوی، ۱۳۹۵، ۸۷). این پدیده غالباً با هدف ایجاد صمیمیت، سادگی و نزدیکی بیشتر میان نویسنده و مخاطب رخ می‌دهد.

به گفته موسوی ورود این اصطلاحات به نوشتار رسمی، زبان نوشتاری را از حالت خشک و رسمی صرف خارج کرده و به آن حالت گفت‌وگویی و طبیعی‌تری بخشیده است. (۱۳۹۲، ۱۱۲) برای مثال، واژگانی چون «همدلی»، «بستر»، «پایدار» و «نگاه» که پیش‌تر بیشتر در بافت‌های گفتاری یا غیررسمی کاربرد داشتند، امروزه در متون رسمی مانند گزارش‌های اداری، مطبوعاتی و علمی نیز رایج شده‌اند.

مثال‌ها:

- واژه «همدلی» که پیش‌تر در گفتارهای عاطفی و خانوادگی به کار می‌رفت، امروزه در متونی مانند «گزارش سالانه سازمان بهزیستی» به کار می‌رود: «برنامه‌های امسال با محوریت ایجاد همدلی اجتماعی تدوین شده‌اند».
- اصطلاح «بستر مناسب» که در زبان رسمی رایج نبود، اکنون در متون مدیریتی دیده می‌شود: «بستر مناسبی برای رشد خلاقیت در سازمان فراهم شده است».
- واژه «پایدار» نیز از حوزه گفتار عمومی وارد ادبیات توسعه‌ای شده و عباراتی مانند «توسعه پایدار»، «محیط زیست پایدار» یا «روابط پایدار» رایج شده‌اند.
- این روند نشان می‌دهد که زبان نوشتاری رسمی فارسی، همواره در حال تعامل و تبادل با زبان گفتاری است و برای حفظ کارایی ارتباطی خود، ناگزیر از پذیرش بخشی از ساختارهای زنده و پویای گفتار عمومی است.

2-6. ساده‌سازی ساختارهای دستوری در نوشتار رسمی:

- یکی از تأثیرات قابل توجه زبان گفتاری بر نوشتار رسمی فارسی، گرایش به ساده‌سازی ساختارهای دستوری است. این روند که در دهه‌های اخیر شدت یافته، به‌ویژه در متون رسانه‌ای، اداری و آموزشی مشهود است. صفوی اشاره می‌کند که زبان گفتاری با ساختارهای ساده و غیرپیچیده، تأثیر قابل توجهی در ساده‌سازی نوشتار رسمی داشته است (۱۳۹۵، ۸۷). انوری نیز معتقد است که بسیاری از نویسندگان و روزنامه‌نگاران با هدف دسترس‌پذیری بیشتر برای مخاطب عام، از جمله‌های کوتاه‌تر و سبک‌های نوشتاری ساده‌تر استفاده می‌کنند (۱۳۸۵، ۶۵).
- در واقع که این روند در متون اداری و رسانه‌ای باعث شده که فهم متون برای مخاطبان گسترده‌تری آسان‌تر شود. نیز نوشتار رسمی به تدریج از ساختارهای پیچیده فاصله گرفته و به سوی سبکی نزدیک‌تر به محاوره حرکت کرده است.

مثال‌ها:

- جمله رسمی: «در صورت بروز هرگونه مشکل، مراتب را به اطلاع مدیریت برسانید».
- ساده‌شده: «اگه مشکلی پیش اومد، به مدیریت خبر بدید».
- جمله رسمی: «لطفاً در اسرع وقت نسبت به ارسال مدارک اقدام فرمایید».
- ساده‌شده: «لطفاً هرچه زودتر مدارک رو بفرستید».
- این تغییرات نشان‌دهنده تأثیر زبان گفتاری بر نوشتار رسمی و تلاش برای برقراری ارتباط مؤثرتر با مخاطب است.

3-6. تأثیرات زبان رسمی بر گسترش دایره لغات در محاوره:

- زبان رسمی، به‌ویژه از طریق متون علمی، دانشگاهی و رسانه‌ای، تأثیر قابل توجهی بر گسترش واژگان در زبان محاوره‌ای داشته است. واژگان تخصصی و علمی که ابتدا در نوشتار رسمی و متون دانشگاهی مطرح می‌شدند، به تدریج وارد گفتار روزمره شده‌اند (محمدی، ۱۳۹۵، ۷۵). این واژگان باعث غنی‌تر شدن زبان گفتاری شده و به افراد امکان داده‌اند که مفاهیم پیچیده‌تری را به شکل غیررسمی و ساده‌تر بیان کنند (نیکخواه، ۱۳۸۷، ۱۰۲).

مثال‌ها:

- واژه «استراتژی» که در اصل واژه‌ای تخصصی در علوم مدیریت و نظامی است، امروزه در گفتار روزمره نیز به کار می‌رود: «استراتژی‌مون برای امتحان چیه؟»

- واژه «منطق» که در متون فلسفی و رسمی کاربرد دارد، در محاوره نیز رایج شده است: «منطقش چی بود که این کارو کرد؟»
 - واژه «توسعه» که در متون اقتصادی و رسمی به کار می‌رفت، اکنون در گفتار روزمره نیز استفاده می‌شود: «توسعه فردی خیلی مهمه». این روند نشان می‌دهد که زبان رسمی، با ورود واژگان تخصصی به محاوره، به غنای زبان گفتاری کمک کرده و امکان بیان مفاهیم پیچیده‌تر را در گفتار روزمره فراهم آورده است.

4-6. تأثیر رسانه‌ها بر نزدیک‌تر شدن زبان رسمی و گفتاری:

رسانه‌ها، به‌ویژه رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی، نقش بزرگی در نزدیکی زبان رسمی و گفتاری ایفا کرده‌اند (کریمی، ۱۳۹۷، ۴۴). در این بسترها، محتواها معمولاً به شکل تلفیقی از دو زبان رسمی و گفتاری نوشته می‌شوند تا برای عموم مخاطبان جذابیت بیشتری داشته باشند (جعفری، ۱۳۹۶، ۲۷۵). به گفته محمدی بسیاری از مطالب منتشرشده در فضای مجازی و خبرگزاری‌ها به گونه‌ای نوشته می‌شوند که زبان رسمی را با واژگان و ساختارهای گفتاری درهم می‌آمیزند تا ارتباطی صمیمانه‌تر با مخاطب برقرار کنند (۱۳۹۹، ۱۰۳).

برای مثال، در بسیاری از خبرها و پست‌های شبکه‌های اجتماعی از جملاتی مانند «می‌خواهی بدونی چطوری می‌تونی موفق شی؟» یا «اگه دوس داری بیشتر بدونی، ادامه مطلبو بخون!» استفاده می‌شود که نشان‌دهنده حضور زبان گفتاری در متونی است که گاه جنبه آموزشی یا خبری دارند. در عین حال، همچنان عناصر رسمی مانند ساختار خبری و استفاده از اصطلاحات تخصصی نیز در این متون دیده می‌شود (رستمی، ۱۴۰۰، ۱۸۷).
 مثالهای دیگر:

- در شبکه‌های اجتماعی، عباراتی مانند «سلام دوستان! امروز می‌خوایم درباره‌ی یه موضوع مهم صحبت کنیم» رایج است که ترکیبی از زبان رسمی و گفتاری را نشان می‌دهد.
 - در اخبار آنلاین، تیتروایی مانند «چطور می‌تونیم با تغییرات اقلیمی مقابله کنیم؟» مشاهده می‌شود که زبان گفتاری را در قالب رسمی به کار می‌برد.

این تلفیق زبانی باعث شده است که زبان فارسی به سوی سبکی منحصر به فرد و مختلط حرکت کند که انعطاف‌پذیری بیشتری نسبت به تغییرات اجتماعی دارد.

5-6. تأثیر نوشتار رسمی بر افزایش دقت در بیان گفتار گفتاری:

زبان رسمی با ساختارهای دقیق، منسجم و حساب‌شده، تأثیر قابل توجهی بر گفتار روزمره یا گفتار گفتاری گذاشته است و به افزایش دقت در بیان کمک کرده است (جوادپور، ۱۳۹۸، ۸۳). بر اثر این تأثیر، افراد به‌ویژه در موقعیت‌های رسمی، اداری یا حرفه‌ای، تمایل بیشتری به استفاده از ساختارهای منظم‌تر و واژگان دقیق‌تر در مکالمات خود پیدا کرده‌اند (کاظمی، ۱۳۹۹، ۶۱). این گرایش به‌ویژه در محیط‌های سازمانی یا موقعیت‌هایی مانند جلسات اداری، مصاحبه‌های شغلی و ارائه‌های علمی به‌وضوح دیده می‌شود، جایی که افراد سعی می‌کنند حتی در گفتار خود نیز از زبان نزدیک به نوشتار رسمی استفاده کنند (حسینی، ۱۴۰۰، ۱۰۷).

برای مثال، به جای گفتن عبارت گفتاری «می‌خوام یه چیزی بگم»، در این‌گونه موقعیت‌ها بیشتر شنیده می‌شود: «مایلم نکته‌ای را مطرح کنم». یا به جای «بذار این‌جوری بگم»، از ساختارهایی مانند «اجازه دهید این‌گونه توضیح دهم» استفاده می‌شود که نشان‌دهنده‌ی نفوذ زبان رسمی بر قالب‌های گفتاری است. این الگوها موجب می‌شوند که افراد در بیان مطالب خود دقیق‌تر، روشن‌تر و حرفه‌ای‌تر عمل کنند، حتی اگر در فضای گفتاری باشند.

6-6. تغییر در قواعد دستوری به دلیل تأثیر زبان گفتاری:

یکی از پیامدهای تعامل میان زبان گفتاری و رسمی، تغییر و تثبیت برخی ساختارهای دستوری جدید در زبان فارسی است. برای مثال، ساختارهایی مانند استفاده از «می‌باشد» به جای «است» که پیش‌تر در نوشتار رسمی رایج نبود، اکنون تحت تأثیر زبان گفتاری در متون رسمی نیز دیده می‌شود. همچنین کاربرد ضمائر گفتاری مثل «تو» به جای «شما» در برخی نوشته‌های رسانه‌ای وضای مجازی، نمونه‌ای از ورود تدریجی زبان گفتاری به هنجارهای رسمی است (محمودی، ۱۳۹۹، ۱۰۴). این تغییرات نشان‌دهنده‌ی پویایی زبان فارسی و انعطاف آن در برابر شیوه‌های ارتباطی جدید است.

مثال:

ضمایری مثل «من»، «تو»، «ما» که پیش‌تر در متون رسمی کمتر دیده می‌شدند، حالا در نامه‌نگاری‌ها و نوشته‌های رسمی‌تر نیز استفاده می‌شوند.

- سنتی رسمی: نگارنده بر این باور است...

- متأثر از گفتار: من بر این باورم که...

این تغییر در مقاله‌های تحلیلی، یادداشت‌های مطبوعاتی و وبلاگ‌ها به وضوح مشاهده می‌شود (شاکری، ۱۴۰۰، ۱۰۲).

6-7. نقش زبان‌آموزان و گویش‌های محلی در تعامل زبان رسمی و گفتاری:

زبان‌آموزان فارسی به‌عنوان زبان دوم، به‌ویژه در محیط‌های آموزشی و شهری، به دلیل یادگیری همزمان زبان رسمی و گفتاری، به ساده‌سازی و ترکیب این دو شکل زبانی کمک می‌کنند. این گروه معمولاً برای سهولت ارتباط، از ساختارهای ساده، افعال پرکاربرد و واژگان عمومی استفاده می‌کنند که به مرور در هر دو نوع زبان تأثیر می‌گذارد (جلالی، ۱۳۹۹، ۶۵).

مثال: به‌کارگیری واژه‌هایی مانند «رفتن» به جای «عزیمت نمودن»، یا استفاده از عبارت «می‌خوام بدونم» به جای «مایلم اطلاع یابم» در متون غیررسمی آموزشی و گفتار میانجی.

از سوی دیگر، گویش‌های محلی نیز از عوامل مهم در شکل‌گیری تعامل میان زبان رسمی و گفتاری هستند. واژگان، اصطلاحات و ساختارهای خاص گویشی از مناطق مختلف (مانند گیلکی، کردی، بلوچی و لری) وارد زبان عمومی شده‌اند و در برخی موارد حتی در رسانه‌ها و متون رسمی نیز کاربرد یافته‌اند (فتحی، ۱۴۰۰، ۱۲۱).

مثال‌ها:

- واژه «هسا» (به معنای الآن در گویش گیلکی) که گاه در فضای مجازی و گفتار رسانه‌ای دیده می‌شود.

- واژه «وا» به جای «برای» در برخی لهجه‌های جنوبی که وارد ترانه‌های پاپ و فیلم نامه‌ها شده است.

- اصطلاح «چوخ خوشحالام» (ترکی آذری، به معنی خیلی خوشحالم) که در قالب‌های طنز و گفت وگویی روزمره حتی در رسانه‌های ملی نیز شنیده می‌شود.

این تأثیرات متقابل، پویایی زبان فارسی را افزایش داده و موجب ایجاد گونه‌ای زبان واسط میان رسمی و گفتاری شده است که توانایی انطباق بیشتری با بافت‌های متنوع ارتباطی دارد.

7. چالش‌های استفاده از زبان رسمی و گفتاری در نوشتار و گفتار:

یکی از ابعاد پیچیده و در عین حال جذاب زبان فارسی، تفاوت‌ها و چالش‌هایی است که در کاربرد زبان رسمی و گفتاری در حوزه‌های نوشتار و گفتار به چشم می‌خورد. هر یک از این دو گونه زبانی، بسته به بافت ارتباطی، موقعیت اجتماعی و نوع مخاطب، مزایا و محدودیت‌هایی دارند. این تفاوت‌ها گاه موجب اختلال در انتقال دقیق معنا، سوءبرداشت یا حتی عدم تناسب سبک زبانی با موقعیت ارتباطی می‌شود. در ادامه، به مهم‌ترین چالش‌های مرتبط با به‌کارگیری زبان رسمی و گفتاری پرداخته می‌شود.

7-1. چالش در انتخاب سبک زبانی مناسب برای موقعیت‌های مختلف:

یکی از چالش‌های رایج در زبان فارسی، انتخاب صحیح میان زبان رسمی و گفتاری در موقعیت‌های گوناگون است به عنوان مثال، در محیط‌های کاری و حرفه‌ای، معمولاً زبان رسمی ترجیح داده می‌شود؛ اما در برخی موقعیت‌های دوستانه یا صمیمی‌تر در همین محیط‌ها، زبان گفتاری قابل قبول‌تر است و به ایجاد ارتباط صمیمی‌تر کمک می‌کند (محمودی، ۱۴۰۱، ۸۹). این چالش به‌ویژه در نوشتار دیجیتالی مانند ایمیل‌ها و پیام‌های کاری برجسته‌تر می‌شود. برای نمونه، استفاده از عباراتی مانند «سلام، وقت بخیر» در ابتدای ایمیل‌های رسمی رایج است، اما در پیام‌های دوستانه‌تر ممکن است از «سلام، خوبی؟» استفاده شود. انتخاب نادرست سبک زبانی می‌تواند منجر به سوءتفاهم یا برداشت نادرست از نیت فرستنده شود (فریدی، ۱۴۰۲، ۱۰۳). همچنین، در مکاتبات آموزشی میان استاد و دانشجو، انتظار می‌رود زبان رسمی رعایت شود: «با سلام و احترام، پیرو جلسه‌ی اخیر...»؛ اما گاهی دانشجویان از فرم‌هایی مانند «سلام استاد، جلسه‌مون چی شد؟» استفاده می‌کنند که ممکن است نامتناسب با زمینه باشد (اکبری، ۱۴۰۱، ۶۴).

در پیام‌رسانی‌های سازمانی نیز همین چالش دیده می‌شود؛ استفاده از عبارت‌هایی مانند «زحمت می‌کشی یه نگاهی بندازی؟» در مقابل «لطفاً بررسی بفرمایید» می‌تواند بسته به مخاطب، تفاوت قابل‌توجهی در تأثیر ارتباطی ایجاد کند (نعمتی، ۱۴۰۲، ۹۳).

7-2. محدودیت‌های زبان رسمی در انتقال احساسات و صمیمیت:

زبان رسمی، به‌دلیل ساختارهای دستوری پیچیده و تمرکز بر دقت و وضوح، در انتقال احساسات و ایجاد صمیمیت با محدودیت‌هایی مواجه است (جلیلیان، ۱۳۹۹، ۵۲). این ویژگی‌ها ممکن است باعث شود که زبان رسمی در برخی موقعیت‌ها خشک و بی‌روح به‌نظر برسد و در برقراری ارتباطات صمیمانه و دوستانه کارایی کمتری داشته باشد.

برای مثال، در مکاتبات رسمی مانند نامه‌های اداری، استفاده از عباراتی نظیر «با احترام، درخواست می‌نمایم...» رایج است؛ اما در مکالمات دوستانه، عباراتی مانند «سلام، می‌خواستم بپرسم...» بیشتر احساس صمیمیت را منتقل می‌کنند. همچنین، در محیط‌های کاری، استفاده از زبان رسمی ممکن است باعث ایجاد فاصله بین افراد شود، در حالی که به‌کارگیری زبان گفتاری می‌تواند به تقویت روابط بین همکاران کمک کند (سلیمانی، ۱۴۰۱، ۶۵).

3-7. چالش‌های زبان گفتاری در نوشتار رسمی:

کاربرد زبان گفتاری در نوشتار رسمی با چالش‌هایی همراه است، زیرا زبان گفتاری اغلب فاقد دقت دستوری و ساختارهای رسمی لازم است و می‌تواند از اعتبار متن بکاهد.

در متونی مانند اسناد اداری، گزارش‌های پژوهشی یا مقالات دانشگاهی، به‌کارگیری اصطلاحاتی مانند «خیلی خوب بود» یا «یه جورایی» به‌جای عبارات دقیق‌تر مانند «مطلوب ارزیابی شد» یا «به‌نحوی» می‌تواند باعث افت سطح علمی و کاهش جدیت متن شود (هاشمی، ۱۴۰۰، ۹۵).

همچنین در متون رسمی، استفاده از افعال عامیانه مانند «می‌خوام» به جای «تمایل دارم» یا ضمایر محاوره‌ای مانند «تو» به جای «شما» غیرقابل قبول تلقی می‌شود و ممکن است مخاطب را نسبت به حرفه‌ای بودن نویسنده دچار تردید کند (علی‌پور، ۱۳۹۹، ۶۸).

4-7. تأثیر زبان گفتاری بر تضعیف دقت زبانی در مکالمات:

استفاده مفرط از زبان گفتاری در مکالمات روزمره گاه به کاهش دقت در گزینش واژگان و ساختار جملات می‌انجامد. به دلیل سرعت بالا و فشار زمانی در گفت‌وگوهای محاوره‌ای، گویندگان اغلب به جای واژگان دقیق، از تعبیر کلی و گاه مبهم استفاده می‌کنند. برای مثال، در توصیف احساس خشم، به‌جای عباراتی چون «احساس نارضایتی شدید داشتم»، از اصطلاحاتی مانند «کفری شدم» استفاده می‌شود که بار معنایی کمتری دارد (سلیمانی، ۱۳۹۹، ۵۶).

این امر در مکالمات رسمی یا موقعیت‌های حساس مانند مصاحبه‌های شغلی یا جلسات حرفه‌ای می‌تواند موجب برداشت‌های نادرست یا سوءتفاهم شود (عزیزی، ۱۴۰۰، ۹۱). همچنین استفاده از واژگان عامیانه مانند «یه چیزی اونجوری» یا «فلان‌جا» به جای تعبیر دقیق، نمونه‌هایی از تضعیف وضوح ارتباطی است. مثال‌های دیگر:

- «یه جورایی ناراحت بودم» ← به‌جای «به دلیل تأخیر در پاسخ، احساس بی‌احترامی داشتم».
- «اونا گفتن بیان» به‌جای «اعضای گروه تحقیق گفتند که به جلسه بیایید».
- «رفتیم دیدیم نیست» ← مشخص نیست چه کسی یا چه چیزی رفته یا چه چیزی نبوده.
- «یه کاری کرد» ← مشخص نیست چه کاری انجام داده است.

5-7. مشکلات در ترجمه و انتقال دقیق مفهوم:

یکی از چالش‌های اساسی در تعامل زبان رسمی و گفتاری، دشواری در ترجمه و انتقال دقیق مفاهیم میان این دو گونه زبانی است. بسیاری از اصطلاحات گفتاری فاقد معادل دقیق در زبان رسمی هستند و بالعکس، مفاهیم رسمی نیز به‌سختی در قالب گفتار عامیانه بیان می‌شوند (محمدی، ۱۴۰۰، ۴۵).

مثال ۱: اصطلاح گفتاری «سر در نیارم» در زبان رسمی معمولاً به «درک نمی‌کنم» یا «متوجه نمی‌شوم» ترجمه می‌شود، اما این معادل‌ها بار عاطفی یا لحن گفتاری را به‌درستی منتقل نمی‌کنند.

مثال ۲: عبارت «کار دستم داده» در زبان رسمی به «باعث دردسر من شده است» یا «مشکلی ایجاد کرده» ترجمه می‌شود که بار کنایی و غیررسمی عبارت اصلی را ندارد.

مثال ۳: در متون ادبی یا دیالوگ‌های عامیانه، استفاده از واژگانی مانند «یارو»، «پدرصلامتی»، یا «این بابا» که بار فرهنگی خاصی دارند، در ترجمه به زبان رسمی یا حتی زبان‌های خارجی دچار افت معنا و لحن می‌شوند. این مشکل به‌ویژه در ترجمه متون غیررسمی یا گفت‌وگوهای رمان‌ها و فیلم‌ها بیشتر نمایان می‌شود، جایی که وفاداری به سبک و لحن اصلی دشوار است.

8. نقش زبان رسمی و گفتاری در توسعه ارتباطات اجتماعی:

زبان، به‌عنوان ابزاری بنیادین برای انتقال معنا، نقش کلیدی در شکل‌گیری و گسترش ارتباطات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایفا می‌کند.

در جوامع فارسی‌زبان، هر یک از دو گونه‌ی زبان رسمی و گفتاری در بستری خاص و با کارکردهای متمایز، به تسهیل ارتباطات انسانی یاری رسانده‌اند (کوشا، ۱۴۰۰، ۳۳). با بررسی متون مختلف و منابع مختلف می‌توان نقش این دو زبان به شکل زیر خلاصه کرد:

1. تقویت هویت فرهنگی و اجتماعی با زبان رسمی: زبان رسمی، به‌ویژه در متون آموزشی، رسانه‌ها و اسناد اداری، با حفظ ساختارهای تاریخی و ادبی، در حفظ هویت فرهنگی و انسجام ملی نقش دارد.
2. ایجاد صمیمیت و نزدیکی با زبان گفتاری: گونه‌ی گفتاری به دلیل ساختار غیررسمی و لحن خودمانی، در روابط دوستانه و خانوادگی به برقراری ارتباطات عاطفی و صمیمانه کمک می‌کند. برای مثال، استفاده از عباراتی مانند «چطوری؟» یا «دست درد نکنه» برخلاف زبان رسمی، بار احساسی بیشتری دارد.
3. نقش دوگانه در ارتباطات حرفه‌ای: در محیط‌های کاری، زبان رسمی برای مکاتبات و جلسات رسمی ضروری است، درحالی‌که زبان گفتاری در تعاملات بین‌فردی برای کاهش فاصله و ایجاد جو دوستانه کاربرد دارد.
4. تسهیل یادگیری از طریق تلفیق زبان‌ها: در فرآیند آموزش، ترکیب زبان رسمی و گفتاری -به‌ویژه در تدریس مفاهیم پیچیده- به درک بهتر مطالب کمک می‌کند. معلمان اغلب با بهره‌گیری از زبان گفتاری در کنار زبان رسمی، فضای آموزشی مؤثرتری ایجاد می‌کنند.
5. زبان در شبکه‌های اجتماعی: در پلتفرم‌هایی مانند تلگرام و اینستاگرام، زبان گفتاری قالب غالب ارتباط است؛ این امر امکان گسترش ارتباطات میان‌فردی را افزایش داده و بر شکل‌گیری گفتمان عمومی اثرگذار بوده است.
6. رشد متقابل زبان و فرهنگ از طریق تعامل دو گونه زبانی: تعامل مداوم میان زبان رسمی و گفتاری به پویایی زبانی منجر شده و باعث ورود واژگان جدید از گفتار به نوشتار و بالعکس شده است.
7. نقش زبان در سیاست و گفت‌وگوهای اجتماعی: سیاستمداران برای اثرگذاری بر مخاطبان، از ترکیب زبان رسمی با لحن گفتاری بهره می‌برند تا پیام خود را هم معتبر و هم قابل‌فهم نشان دهند.
8. فرصت‌های اقتصادی از راه تسلط بر دو زبان: تسلط بر زبان رسمی برای مشاغل اداری، و بر زبان گفتاری برای مشاغل خدماتی و ارتباطی، فرصت‌های شغلی بیشتری فراهم می‌آورد.

9. پیشنهادات و راهکارهایی برای بهبود استفاده از زبان رسمی و گفتاری:

برای برقراری ارتباط موثر و سازنده در جامعه فارسی‌زبان، شناخت تفاوت‌های زبان رسمی و گفتاری و استفاده درست از آن‌ها ضروری است. با در نظر گرفتن چالش‌ها و ویژگی‌های هر دو زبان، راهکارهایی ارائه می‌شود که می‌توانند به بهبود استفاده از این دو نوع زبان در زمینه‌های مختلف کمک کنند.

برای تقویت ارتباط مؤثر در جامعه فارسی‌زبان، آشنایی با کاربردهای دقیق زبان رسمی و گفتاری ضروری است (صفوی، ۱۳۹۳: ۷۱). راهکارهای کلیدی در این زمینه عبارت‌اند از:

1. آموزش هم‌زمان زبان رسمی و گفتاری از طریق برنامه‌های درسی ترکیبی.
 2. تقویت نگارش رسمی با برگزاری کارگاه‌های تخصصی برای نوشتار اداری و علمی.
 3. استفاده از رسانه‌های شنیداری و دیداری برای ارتقاء زبان گفتاری طبیعی.
 4. ترویج فرهنگ انتخاب آگاهانه سبک زبانی متناسب با موقعیت.
 5. حمایت از پژوهش‌های زبان‌شناختی برای به‌کارگیری داده‌های بومی در سیاست‌گذاری زبانی.
 6. ایجاد بانک واژگان تطبیقی برای تسهیل معادل‌سازی میان دو نوع زبان.
- مثال: «خراب شد» (گفتاری) ⇔ «دچار نقص شد» (رسمی).

10. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

این مقاله بر آن است تا با بررسی ساختارهای دستوری و نحوی در زبان رسمی و گفتاری، به تحلیل کاربردهای گوناگون دستور زبان فارسی در این دو سبک بپردازد و ضمن برجسته‌سازی تفاوت‌ها، به چالش‌ها و ضرورت‌های موجود در بهره‌گیری صحیح از هر دو نوع زبان اشاره کند و بر اساس این بررسی دیدیم که زبان رسمی و زبان گفتاری در زبان فارسی، هر یک کارکردهای ویژه‌ای در برقراری ارتباط ایفا می‌کنند. زبان رسمی اغلب در نوشتارهای علمی، اداری و رسمی به‌کار می‌رود و ساختار نحوی دقیق‌تری دارد، در حالی که زبان گفتاری بیشتر در تعاملات روزمره، ایجاد صمیمیت و انتقال احساسات مؤثرتر است.

با این حال، تداخل این دو گونه زبانی گاه موجب چالش‌هایی در دقت زبانی، ترجمه مفاهیم، و انتخاب سبک مناسب ارتباطی می‌شود. گویش‌های محلی و زبان‌آموزان نیز نقش مهمی در شکل‌گیری ساختارهای جدید ایفا می‌کنند.

برای بهینه‌سازی کاربرد زبان در موقعیت‌های مختلف، لازم است:

- آموزش زبان رسمی و گفتاری به‌طور هم‌زمان تقویت شود.
- مهارت‌های نگارشی و گفتاری به شکل هدفمند آموزش داده شوند.
- واز پژوهش‌های کاربردی در سیاست‌گذاری زبانی بهره گرفته شود.

زبان، به‌عنوان ابزار اصلی ارتباط انسانی، در اشکال متنوعی از جمله زبان رسمی و گفتاری، در جوامع فارسی‌زبان ایفای نقش می‌کند. هر یک از این گونه‌های زبانی، کارکردهای خاص خود را در زمینه‌های مختلف دارند؛ اما چالش‌ها و فرصت‌های تعامل آن‌ها نیز غیرقابل انکار است.

از یک‌سو، زبان رسمی با ساختاری منسجم، واژگان معیار و پایبندی به قواعد دستوری، ابزاری ضروری برای نوشتارهای علمی، اداری و حقوقی است. این زبان در تقویت هویت ملی و یکپارچگی زبانی کشور مؤثر است. با این حال، به دلیل ویژگی‌های ساختاری خشک‌تر، در انتقال احساسات و ایجاد صمیمیت کارایی کمتری دارد.

در مقابل، زبان گفتاری به دلیل پویایی، انعطاف‌پذیری و کاربرد گسترده در تعاملات روزمره، در ایجاد رابطه نزدیک و بیان احساسات بسیار مؤثر است. این زبان با واژگان عامیانه، اصطلاحات بومی و ساختارهای ساده‌تر، فضای صمیمانه‌تری فراهم می‌کند، اما استفاده از آن در متون رسمی می‌تواند اعتبار متن را کاهش دهد.

یکی از چالش‌های مهم، انتخاب سبک زبانی مناسب برای موقعیت‌های مختلف است. افراد در بسیاری از موارد در تعیین مرز میان رسمی و غیررسمی دچار تردید می‌شوند؛ به‌ویژه در فضای نوشتاری دیجیتال مانند پیام‌رسان‌ها، ایمیل‌ها و شبکه‌های اجتماعی.

همچنین، ترجمه و انتقال دقیق مفاهیم میان زبان رسمی و گفتاری یکی دیگر از مسائل چالش‌برانگیز است. بسیاری از واژه‌ها و عبارات گفتاری نظیر «کار دستم داد» یا «سر در نمی‌ارم» فاقد معادل دقیق در زبان رسمی هستند و این امر ترجمه را دشوار می‌کند.

در کنار این چالش‌ها، گویش‌های محلی و زبان‌آموزان فارسی نیز نقش بسزایی در پویایی تعامل میان زبان‌ها دارند. گویش‌ها و واژگان و اختارهایی را وارد زبان رسمی و گفتاری می‌کنند که گاه باعث غنی‌تر شدن زبان و گاه موجب ابهام می‌شوند. برای مواجهه با این چالش‌ها، راهکارهایی چون آموزش هم‌زمان زبان رسمی و گفتاری، تقویت مهارت‌های نگارشی و گفتاری، بهره‌گیری از رسانه‌های آموزشی، ترویج فرهنگ استفاده به‌جا از زبان، و حمایت از پژوهش‌های زبانی پیشنهاد شده‌اند. در نهایت، تعامل میان زبان رسمی و گفتاری نه تنها پدیده‌ای زبانی، بلکه مسئله‌ای فرهنگی، آموزشی و اجتماعی است. این تعامل، در صورت مدیریت آگاهانه، می‌تواند به ارتقاء ارتباطات انسانی، تقویت هویت فرهنگی، توسعه آموزش و حتی افزایش فرصت‌های اقتصادی منجر شود.

التمويل:

هذا البحث ممول من جامعة دمشق وفق رقم التمويل: (501100020595).

این پژوهش توسط دانشگاه دمشق با شماره تأمین مالی (501100020595) تأمین شده است.

منابع ومراجع:

1. اکبری، نرگس. (۱۴۰۱). ارتباطات آموزشی ونقش سبک زبانی در تعامل استاد ودانشجو. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
2. انوری، حسن. (۱۳۸۵). دستور زبان فارسی. تهران: نشر فاطمی.
3. باقری، محمد. (۱۳۹۰). سبک‌شناسی زبان فارسی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی ومطالعات فرهنگی.
4. جعفری، مهسا. (۱۳۹۶). «نقش زبان در رسانه‌های اجتماعی»، فصلنامه مطالعات زبان وارتباطات، سال ۵، شماره ۲.
5. جلیلیان، علی. (۱۳۹۹). تحلیل سبک‌های زبانی در ارتباطات رسمی وغیررسمی. تهران: انتشارات زبان وارتباط.
6. جوادپور، محمدرضا. (۱۳۹۸). تحلیل زبان رسمی وکاربرد آن در زندگی روزمره. تهران: نشر آوا.
7. حسینی، الهام. (۱۴۰۰). «نقش زبان رسمی در بهبود گفتار حرفه‌ای»، فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی، سال ۴، شماره ۲.
8. رابرتز، چالرز. (۱۳۸۶). اصول جامعه‌شناسی زبان (ترجمه‌ی محمد هاشمی). تهران: انتشارات نشر نی.
9. رستمی، ناهید. (۱۴۰۰). «تأثیر زبان گفتاری بر نوشتار رسانه‌ای»، مجله زبان فارسی معاصر، سال ۸، شماره ۱.
10. سلیمانی، فرشته. (۱۳۹۹). بررسی واژگان عامیانه در زبان محاوره‌ای فارسی. مشهد: نشر فرهنگ.
11. سلیمانی، نرگس. (۱۴۰۱). زبان وصمیمیت در محیط‌های کاری. اصفهان: نشر فرهنگ.
12. شاکری، نرگس. (۱۴۰۰). زبان ونوشتار در رسانه. تهران: اطلاعات.
13. صفوی، رضا. (۱۳۹۵). آشنایی با زبان‌شناسی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
14. صفوی، کورش. (۱۳۹۵). نگارش ووبرایش. تهران: نشر علمی.
15. عزیزی، حسن. (۱۴۰۰). زبان وارتباطات در محیط‌های رسمی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
16. علی‌پور، لیلا. (۱۳۹۹). چالش‌های زبانی در نگارش علمی. مشهد: انتشارات دانشگاهی شرق.
17. فریدی، نادر. (۱۴۰۲). ارتباطات دیجیتالی وزبان فارسی. اصفهان: نشر سپاهان.
18. کاظمی، نسرين. (۱۳۹۹). زبان وارتباطات حرفه‌ای. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
19. کامرانی، محمد. (۱۳۹۷). ساختار جمله در سبک رسمی فارسی. تهران: سازمان مطالعه وتدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
20. کامرانی، نوشین. (۱۳۹۷). نقش زبان در بازنمایی هویت فرهنگی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر وارتباطات.
21. کریمی، لیلا. (۱۳۹۷). زبان‌شناسی کاربردی ورسانه‌های نوین. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
22. کلانتری، فرهاد. (۱۳۸۸). زبان‌شناسی اجتماعی. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
23. کلانتری، مهدی. (۱۳۸۸). سبک‌شناسی کاربردی زبان فارسی. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
24. کوشا، رضا. (۱۴۰۰). تحول در زبان فارسی معاصر. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
25. محمدی، زهرا. (۱۴۰۰). تعامل زبان رسمی ومحواره‌ای در زبان معاصر فارسی. مشهد: انتشارات نیک‌آوا.
26. محمدی، سجاد. (۱۳۹۹). تحول زبان در رسانه‌های نوین. تهران: نشر اختران.
27. محمدی، علی. (۱۳۹۵). تأثیر زبان رسمی بر زبان محاوره‌ای. تهران: نشر نو.
28. محمودی، زهرا. (۱۴۰۱). زبان‌آموزی فارسی وتحولات زبان. تهران: پژوهشگاه فرهنگ وزبان.

29. موسوی، محمدرضا. (۱۳۹۲). زبان، فرهنگ و هویت. تهران: انتشارات آگاه.
30. نعمتی، علی. (۱۴۰۲). سواد رسانه‌ای و زبان ارتباطات دیجیتال. اصفهان: نشر آینده.
31. نیکخواه، سارا (۱۳۸۷). تحول زبان گفتاری در ایران معاصر. تهران: مرکز پژوهش‌های زبان‌شناسی.
32. هاشمی، مهدی. (۱۴۰۰). زبان رسمی و کاربرد آن در متون دانشگاهی. تهران: پژوهشگاه زبان و ادبیات.